

## مسئولیت بین المللی سرمایه گذاران خارجی در ارتباط با محیط زیست

مجتبی انصاریان<sup>۱\*</sup>

[M.Ansarian@pnu.ac.ir](mailto:M.Ansarian@pnu.ac.ir)

شیرین شیرازیان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲

### چکیده

قلمروی اجرای حقوق سرمایه گذاری و حقوق محیط زیست مشابه است. تا مولفه‌های محیط زیست؛ هوا، خاک و آب وجود نداشته باشد امکان هیچگونه سرمایه گذاری، تولید، انباشت سرمایه و مصرف نیز وجود نخواهد داشت. به همین جهت هر شخصی با هر نقشی باید در فرایند نگهداری و بهروزی محیط زیست اقدام نماید که در این میان نقش سرمایه‌گذاران برجسته است. امروزه بر تمام بازیگران محرز گشته که ورود آن‌ها به بازار رقابتی بازرگانی بین الملل و ارتقای سطح رفاه جامعه و امنیت در تمام ابعاد آن نیازمند جذب سرمایه گذاری خارجی است. بسیاری از کشورها که خواهان جذب هر چه بیشتر سرمایه به داخل کشورشان هستند اقدام به تصویب قوانینی می‌کنند که هرچند سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند از سوی دیگر، محیط زیست را در بلند مدت به سمت نابودی می‌کشاند. شرکت‌های فراملی نیز به سرمایه‌گذاری در سرزمین‌هایی تمایل دارند که مقررات زیست محیطی آسان تری دارند. تنها ورود هرچه بیشتر سرمایه، نفع عمومی را تامین نمی‌سازد بلکه حضور سرمایه با مصرف صحیح و به موقع و حفاظت از محیط زیست است که منافع ملی و جهانی را تحقق می‌بخشد. پژوهش حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان غیر از دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی برای سایر بازیگران همچون سرمایه‌گذاران خارجی در صورت تخریب محیط زیست مسئولیت بین المللی قایل شد؟ چنین فرض شده است که در صورت تخریب محیط زیست حتی با رضایت کشور سرمایه پذیر باید مسئولیت بین المللی برای سرمایه گذار قایل شد.

**واژه های کلیدی:** حقوق بین الملل محیط زیست، سرمایه گذاری خارجی، شرکت‌های فراملی، مسئولیت بین المللی.

۱- دکتری حقوق بین الملل عمومی، استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران\* (مسئول مکاتبات)

۲- استادیار، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، گروه حقوق محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

# **International Responsibility Foreign Investors with respect to the Environment**

**Mojtaba Ansarian<sup>1\*</sup>**

[M.Ansarian@pnu.ac.ir](mailto:M.Ansarian@pnu.ac.ir)

**Shirin Shirazian<sup>2</sup>**

Admission Date: May 29, 2021

Date Received: May 23, 2018

## **Abstract**

The domain of investment law and environmental law is similar. In fact, if there is not environment and its components consist of air, soil and water there will not be any investment, production, accumulation of capital and consumption. Therefore, everyone with every role should act in the process of maintaining and upbrining the environment, in which the role of the prominent investors is highlighted. Today, it has been specified by all countries that their entry into the competitive international trade market and the promotion of the welfare of society and security in all its dimensions require the attraction of foreign investment.

Many countries that want to attract more and more capital into their country are adopting laws which encourages investors to be present in that country, on the other hand, will end the environment in the long run. Transnational corporations also tend to invest in country that are more environmentally easier. In the meantime, it should be seen with a prospect that the only major inflow of capital would not be generating public benefit but the presence of capital with proper and management consumption and the protection of the environment, which fulfills national and global interests.

The question of present research is how can besides governments and international organizations, be considered internationally responsibility such as foreign investors in the event of environmental degradation. It is assumed that in the event of environmental degradation, even the consent country investable would be an international liability to investor.

**Keywords:** International Environmental law, Foreign Investment, Transnational Corporations, International Responsibility.

---

1-Ph.D. in International Law, Assistant Professor Payame Noor University, Tehran Iran. *\*(Corresponding Author)*

2- Assistant Professor, Faculty of Natural Resources and Environment, Department of Environmental Law, University of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

## مقدمه

مسایل ناظر بر بازرگانی و محیط زیست خصلت چند بعدی و پیچیده‌ای دارند. جدا از آن که مسایل زیست محیطی مشکلات متعددی را برای استفاده از منابع طبیعی یک کشور مطرح می‌سازند، می‌توان گفت که مسایل اشاره شده بر هزینه‌های تولید، الگوی بازرگانی، مکان‌یابی فعالیت‌های صنعتی و سرانجام منافع حاصل از بازرگانی اثرگذار خواهند بود. «طی دو دهه اخیر ارتباط میان آزاد سازی بازرگانی و میزان دستیابی به استانداردهای زیست محیطی و به تعبیری رعایت ملاحظات زیست محیطی در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این موضوع در حوزه اقتصاد نیز با رویکردی خاص مورد توجه بوده و می‌باشد» (۱).

مهم‌ترین منبع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در حال حاضر موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل عرفی است. از سوی دیگر حقوق بین‌الملل محیط زیست حقوقی است که از وفاق عمومی نسبی برخوردار است و اسناد مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است (۲). حدود ۲۰۰۰ موافقتنامه سرمایه‌گذاری دوجانبه امضا شده است که برخی از آنها به دولت‌ها حق داده تا تدابیری را برای تضمین فعالیت سرمایه‌گذاری طبق حقوق محیط زیست تنظیم کنند اما کمتر پیش آمده که شروع به سرمایه‌گذاری، منوط به رعایت قوانین زیست محیطی شود؛ به عنوان استثنا باید به موافقتنامه بازرگانی آزاد میان شیلی و آمریکا که تضمین به حمایت از محیط زیست را برای سرمایه‌گذار لازم شمرده است اشاره نماییم (۳). موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری چندجانبه نیز بعضاً به آثار زیست محیطی سرمایه‌گذاری توجه داشته‌اند. مانند موافقتنامه آمریکای شمالی که برای همکاری زیست محیطی مصوب ۱۹۹۴ با هدف ارزیابی آثار زیست محیطی بازرگانی و سرمایه‌گذاری فراملی انعقاد یافت.

مسایلی مانند تعهدات و مسئولیت‌های سرمایه‌گذاران در برابر توسعه دولت میزبان، رعایت حقوق بشر و محیط زیست به محل بحث و بررسی داوران بین‌المللی دعاوی سرمایه‌گذاری نیز تعمیم یافته است. هرچند تصور تحقق آن چندان دور از ذهن

نیست، اما در حال حاضر اسناد سرمایه‌گذاری هیچ تعهدی مبنی بر ضرورت رعایت حقوق اجتماعی یا حفاظت از محیط زیست میزبان بر سرمایه‌گذاران تحمیل نمی‌کنند. البته عهدنامه‌هایی هستند که به این امر اشاره کرده‌اند. به همین جهت سرمایه‌گذاری خارجی باید به گونه‌ای توسعه یابد که کم‌ترین تاثیر منفی را بر محیط زیست داشته باشد و هم‌زمان با تلاش‌ها برای رشد سرمایه‌گذاری خارجی حفاظت از محیط زیست نیز مورد توجه قرار گیرد و یک نوع سازگاری و هماهنگی بین این دو حوزه برقرار شود.

## روش بررسی

این پژوهش از منظر هدف به صورت کیفی با مطالعه متون، اسناد و پژوهش‌های مرتبط صورت گرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به روش مورد استفاده در نگارش این مقاله، پژوهش حاضر از جامعه آماری و روش‌های کمی چون پرسش‌نامه استفاده نکرده است.

## یافته‌ها

## ۱- تعامل بین حقوق محیط زیست و حقوق سرمایه

## گذاری خارجی

علاقمندان و دلسوزان محیط زیست، رشد اقتصادی بدون وجود مقررات زیست محیطی محکم و استوار را علت نابودی محیط زیست و از بین رفتن منابع جهان می‌دانند.

گزارشی از "بورنس ساورز" دلیلی بر این نگرانی می‌باشد. وی استدلال خود را بر این مبنا قرار داده است که چون هزینه‌های ناشی از آلودگی در کشورهای کمتر توسعه یافته به کمترین میزان است و تقاضای محیط زیست سالم در ارتباط مستقیم با سطح بالای درآمد می‌باشد، منطق اقتصادی انتقال صنایع آلوده کمتر به کشورهایی که کمترین درآمد را دارند، قابل توجیه است (۴) این استدلال چنین فرض کرده است که آلودگی همیشه محلی است، در حالی که ابعاد جهانی دارد و اثرات آن محدود به مرزهای ملی نمی‌شود.

سازگار با حفظ محیط زیست اجرا کنند که این موضوع به طور دقیق در مفهوم توسعه پایدار نهفته است» (۶).

یکی از عواملی که می تواند باعث ایجاد توسعه پایدار شود، سرمایه گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه به خصوص از طریق انتقال فناوری و منابع مالی است. از سوی دیگر این سرمایه گذاری ها می تواند تهدیدی برای محیط زیست به شمار آیند، به خصوص در صورتی که فرآیند سرمایه گذاری و تولید پرمخاطره و زیان بار باشد. کشورها برای جذب سرمایه گذاری خارجی با هدف کمک به رشد و توسعه اقتصادی خود، ممکن است اقدام به پایین آوردن استانداردهای حفاظت از محیط زیست نمایند. در چنین شرایطی ممکن است دولت های دیگر نیز برای جلوگیری از زیان های رقابتی به انجام چنین اقدامی مبادرت ورزند که نتیجه آن چیزی جز کاهش حفاظت از محیط زیست نخواهد بود. در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم کشورهای در حال توسعه در مقابل ضوابط محیط زیستی وضع شده قدرت های صنعتی، مقاومت نمودند. نماینده کشور برزیل در کنفرانس استکهلم اعلام کرد که: «کشور متبوعش هیچ گونه منفعتی در موضوع کنترل آلودگی ندارد». زیرا وی معتقد بود که این مسایل مشکل انسان های ثروتمند است و کشورهای فقیری که در آلودگی نقشی نداشته اند با توجه به این که صنعت، قبلا برای کشورهای ثروتمند آلوده کننده منافی داشته است تا حدودی حق آلوده کردن محیط زیست را دارند (۷).

روابط بین سرمایه گذاری خارجی و حفاظت از محیط زیست بسیار پیچیده است. این دو حوزه بر یکدیگر تاثیرات متقابل فراوانی دارند، یعنی از یک طرف بین این دو، رابطه تعارض و تضاد وجود دارد؛ به طوری که یکی از آنها ممکن است مانعی در برابر دیگری به حساب آید. به عنوان مثال قواعد و مقررات زیست محیطی محکم و سخت و لزوم ارزیابی زیست محیطی دقیق، ممکن است باعث کاهش جذب سرمایه گذاری در سطح بین المللی شود. از سوی دیگر رشد سرمایه گذاری خارجی بدون توجه به ضوابط زیست محیطی ممکن است باعث آسیب و لطمه جدی به محیط زیست شود.

حمایت متقابل محیط زیست و سرمایه گذاری نسبت به یکدیگر و پیوند این دو با مفهوم توسعه پایدار در اسناد زیادی مورد

از طرف دیگر کشورها نیز گاهی در اتخاذ مقررات زیست محیطی شدید از بیم اینکه صنایع آنها از نظر رقابتی با مقایسه با صنایع کشورهای دیگر متضرر گردد، قصور دارند. چنانچه کشورهای دیگر نیز برای جلوگیری از متضرر گشتن با سایر کشورها همین روش را برگزینند و بر اتخاذ استانداردهای زیست محیطی داخلی، سیاست های کشورهای دیگر را مد نظر قرار دهند. نتیجه ای جز کاهش سطح حمایت و حفاظت از محیط زیست به دست نخواهد آمد و این موضوع منجر به نابودی تدریجی محیط زیست کلیه کشورها خواهد گشت.

حامیان محیط زیست معتقدند از آنجا که تاثیر آلودگی و تخریب محیط زیست داخل کشورها ممکن است به صورت های مختلف در ورای مرزها متجلی گردد، کلیه کشورها موظف می باشند که در اتخاذ سیاست ها و ضوابط مشابه زیست محیطی همکاری نمایند و هزینه های ناشی از این حفاظت را متقبل شود تا بدین وسیله از روند تخریب محیط زیست جلوگیری به عمل آید.

در گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار چنین تعریف شده است: توسعه عبارت است از برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت های نسل های آینده به گونه ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد. مفهوم توسعه پایدار دارای ویژگی های فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی می باشد. (۵) توسعه پایدار در اصطلاح حقوقی، مفهومی فراگیر در حقوق بین الملل محیط زیست باشد. این مفهوم حقوقی به تدریج در حال توسعه است. در قضیه "گابیسکو ناگی ماروس" بین اسلواکی و لهستان، دیوان بین المللی دادگستری دو دولت را به ملاحظه اصل توسعه پایدار ارشاد کرد. دیوان می گوید: «در گذشته، بشر به دلیل اقتصادی و ... به طور دایم با طبیعت برخورد داشته است. در گذشته این کار بدون توجه به اثرهایش بر روی محیط زیست انجام می گرفت. هنجارهای جدید باید مورد توجه قرار گیرند و همچنین باید به ضوابط نوین اهمیت زیادی داده شود. نه تنها زمانی که دولت ها فعالیت جدیدی را شروع می کنند، بلکه وقتی بخواهند فعالیت های گذشته خود را اصلاح و استمرار بخشند، باید آن را در چهارچوب برنامه توسعه اقتصادی

کشورهای دیگر نیز برای جلوگیری از متضرر گشتن در رقابت با سایر کشورها همین روش را برگزینند و در اتخاذ ضوابط زیست‌محیطی داخلی، سیاست‌های کشورهای دیگر را مدنظر قرار دهند؛ نتیجه‌ای جز کاهش سطح حمایت و حفاظت از محیط‌زیست به دست نخواهد آمد و این امر منجر به نابودی تدریجی محیط‌زیست کلیه کشورها خواهد گردید (۹). حامیان محیط‌زیست معتقدند از آنجا که تاثیر آلودگی و تخریب محیط‌زیست داخل کشورها ممکن است به شکل‌های مختلف در ورای مرزها متجلی گردد، کلیه کشورها موظف می‌باشند که در اتخاذ سیاست‌ها و ضوابط مشابه زیست‌محیطی همکاری نمایند و هزینه‌های ناشی از این حفاظت را متقبل شوند تا بدین وسیله از روند تخریب محیط‌زیست جلوگیری به عمل آید. بدین ترتیب تعارض موجود بین دو حوزه محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری توجه کارشناسان را به خود جلب کرد و در سطح جهانی برای این موضوع چاره‌اندیشی صورت گرفت تا این‌که مفهوم توسعه پایدار به عنوان یک وسیله در مدیریت و کنترل تعارضات بین این دو حوزه مطرح شد.

در گذشته بشر به دلایل اقتصادی و تفکر حاکم به طور دایم با طبیعت برخورد داشته است. به دلیل بینش‌های علمی جدید و آگاهی در حال رشد نسبت به خطرهایی که بشریت (اعم از نسل حال و آینده) را تهدید می‌کند و از مداخله محیط‌زیست ناشی می‌شود، هنجارها و ضوابط جدید توسعه می‌یابند و طی دو دهه شمار زیادی از مقررات وضع می‌شوند. این هنجارهای جدید باید مورد توجه قرار گیرند و همچنین باید به ضوابط نوین اهمیت زیادی داده شود. نه تنها زمانی که دولت‌ها فعالیت جدید را شروع می‌کنند، بلکه وقتی بخواهند فعالیت‌های گذشته خود را اصلاح و استمرار بخشند، باید آن را در چهارچوب برنامه توسعه اقتصادی سازگار با حفظ محیط‌زیست اجرا کنند که این موضوع به طور دقیق در مفهوم توسعه پایدار نهفته است (۱۰).

در ابتدا کشورهای در حال توسعه از اینکه خود را ملزم به تبعیت از قواعد و مقررات مربوط به محیط‌زیست در زمینه فعالیت‌های اقتصادی بدانند، امتناع ورزیدند. کشورهای مذکور

توجه و تاکید قرار گرفته است. آنچه برای یک زندگی شرافتمندانه ضروری است، کمینه‌هایی از غذا، لباس، مسکن و بهداشت می‌باشد. کشورهای در حال توسعه با نگاه به توسعه پایدار که در ذاتش حفاظت از محیط زیست نهفته است و اتفاقاً منافع بلند مدت آن‌ها را تامین می‌کند باید تلاش خود را در جهت توسعه معطوف سازند.

«رشد سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل و آثار آن بر محیط‌زیست، توجه جهانی را به خود معطوف ساخت. نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت محیط‌زیست، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط‌زیست اقدام نماید. حامیان محیط‌زیست سیاست‌هایی را که از نظر آنها مسوول نابودی محیط‌زیست می‌باشند، را به زیر سوال برده‌اند» (۸) یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد بین‌المللی که می‌تواند تاثیرات زیادی بر محیط‌زیست داشته باشد؛ سرمایه‌گذاری است. رشد سرمایه‌گذاری خارجی در غیاب استانداردهای بالای زیست‌محیطی، آلودگی ناشی از تولید و مصرف را افزایش می‌دهد. به‌علاوه سرمایه‌گذاری در کشورهای که ضوابط زیست‌محیطی پایینی دارند، منجر به کاهش هر چه بیشتر این استانداردها از جانب کشورهای مذکور به منظور کسب منفعت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری بیشتر در رقابت با سایر کشورها خواهد شد. طرفداران محیط‌زیست همچنین بیم آن دارند که صنایع آلوده کننده به کشورهایی که مقررات زیست‌محیطی آنان آسان می‌باشند، منتقل شوند. در این جهت باید خاطرنشان نمود از آنجا که هزینه‌های ناشی از آلودگی در کشورهای کمتر توسعه یافته به کمترین میزان است و تقاضای محیط‌زیست سالم در ارتباط مستقیم با سطوح بالای درآمد می‌باشد، منطق اقتصادی انتقال صنایع آلوده کننده به کشورهایی که کمترین درآمد را دارند، قابل توجیه است. اما در حقیقت آلودگی تنها محلی نیست، بلکه ابعاد جهانی دارد و اثرات آن محدود به مرزهای ملی نمی‌شود.

از طرف دیگر کشورها نیز گاهی در اتخاذ مقررات زیست‌محیطی شدید از بیم این‌که صنایع آنها از نظر رقابتی در مقایسه با صنایع کشورهای دیگر متضرر گردد، قصور می‌ورزند. چنانچه

بین المللی را در رابطه با مسوولیت دولت در قبال زیان های بیگانگان، اصل قابل اعمال قلمداد می کند.

بر خلاف گذشته که معیار رفتار ملی از سوی کشورهای سرمایه فرست رد می شد، امروزه این شرط در اکثر معاهدات دو جانبه یا چند جانبه سرمایه گذاری گنجانده می شود. مانند ماده ۳ معاهده دو جانبه سرمایه گذاری بین آلمان و کنیا، ماده ۱۱۰۲ نفتا و یا بند ۳ ماده ۱۰ منشور انرژی. دلیل این موضوع این است که اعمال این قاعده به خصوص در مرحله قبل از ورود سرمایه خارجی، مزایای زیادی برای اثبات دولت های سرمایه فرست دربر دارد. زیرا موجب می شود آنها همانند شهروندان دولت میزبان از حق سرمایه گذاری در بخش ها و حوزه های مختلف اقتصادی دولت مذکور بهرمنند شوند و دولت میزبان قادر به اعمال تبعیض در این مرحله نباشد. بعد از ورود سرمایه نیز شرط فوق این مزیت را دارا می باشد که باعث می شود، سرمایه گذار خارجی از امتیازات اعطا شده توسط دولت میزبان به سرمایه گذاران داخلی بهرمنند شود.

منظور از رفتار با ملت ها با دوستی کامل (ملل کامله الوداد) این است که شهروندان دولت های متعاهد از هر امتیازی که یکی از طرفین معاهده در گذشته یا آینده برای شهروندان دولت های دیگر اعطا کرده و یا خواهد کرد بهرمنند می شوند.

بر اساس شرط کلی ممنوعیت اقدامات تبعیض آمیز، اغلب موافقتنامه های دو جانبه سرمایه گذاری اظهار می دارند که طرفین قرارداد نباید هیچ گونه با سرمایه گذاری ها و یا سرمایه گذاران یک کشور طرف معاهده رفتاری نامطلوب تر از رفتار انجام شده با سرمایه گذاران خود یا سرمایه گذاران هر کشور سوم انجام دهد. موافقتنامه های تجارت آزاد دو شرط عمده در مقابل این رویکرد را عنوان می کند. یکی این که تعهدات، باید در شرایط و مقتضیات مشابه اعمال شود و دیگر این که اقدامات انجام شده در سطح حکومت محلی، تنها باید با اقدامات انجام شده به وسیله همان دولت مقایسه شود (۱۳).

### ۳- رویکردهای قانونگذاری برای حمایت از محیط زیست در سرمایه گذاری

کشورهایی که قوانین محیط زیستی آسانی دارند معروف به «پناهگاه آلودگی» شده اند. برخی کشورهای حامی محیط-

به کارگیری این مقررات به خصوص قواعد مربوط به آلودگی های مرز گذر را تلاشی از سوی کشورهای توسعه یافته برای ضربه زدن و نقصان وارد کردن بر رشد کشورهای در حال توسعه قلمداد می کردند (۱۱).

### ۲- لزوم حمایت از محیط زیست و شروط در موافقت نامه های سرمایه گذاری خارجی

در این قسمت به بررسی شروط مندرج در موافقت نامه های سرمایه گذاری و موافقتنامه های بازرگانی آزاد و ارتباط آنها با حفاظت از محیط زیست می پردازیم و برای این منظور از فصل ۱۰ موافقت نامه تجارت آزاد بین امریکا و جمهوری دومینیک و نیز موافقت نامه دو جانبه سرمایه گذاری بین آلمان و کنیا (۱۹۹۶) به عنوان نمونه برای درک بهتر موضوع بهره می گیریم. مهم ترین شروط مندرج در موافقتنامه های مربوط به سرمایه گذاری و بازرگانی عبارتند از: شروط رفتار با بیگانگان، مصادره و ملی کردن، واگذاری و انتقال سرمایه و سود حاصل از سرمایه گذاری، شروط اجرایی، شروط ثبات و شرط توازن.

معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری سنتی اغلب شامل سه مجموعه از معیارهای عدم تبعیض می باشد: شرط رفتار ملی، شرط رفتار با ملت ها با دوستی کامل (کامله الوداد)، شرط کلی ممنوعیت اقدامات تبعیض آمیز.

منظور از شرط رفتار ملی در موضوع سرمایه گذاری این است که یک دولت باید با سرمایه گذاران خارجی همان رفتاری را انجام دهد که با سرمایه گذاران خود انجام می دهد. در اولین معاهده دو جانبه بین المللی که در ۶ فوریه ۱۷۷۸ بین دولت فرانسه و دولت امریکا منعقد شد و به موضوع حقوق اقتصادی و بازرگانی دول متعاهد در خاک یکدیگر می پرداخت، به اصل رفتار ملی اشاره شده است (۱۲).

اصل رفتار ملی از سوی کشور های سرمایه فرست با اعتراض زیادی مواجه شد. زیرا آن را برای حمایت از سرمایه گذاری خارجی کافی نمی دانستند و معتقد بودند که اگر با تصویب قانونی، حقوق مالی سرمایه گذار خارجی تحت تاثیر قرار گیرد، در صورتی که قانون مذکور بدون تبعیض برای اثبات دولت میزبان نیز اعمال شود، سرمایه گذار خارجی نمی تواند هیچ غرامتی از دولت میزبان مطالبه کند. از این رو آنها معیار حداقل

سرمایه‌گذاری دارند ضعیف باشد، کشور فرستنده سرمایه یا کشور متبوع شرکت سرمایه‌گذار، قوانین زیست محیطی خود را تقویت می‌کند. اما چنانچه بازار اقتصادی دو کشور قوی باشد هیچ‌یک از دو کشور به تقویت قوانین زیست‌محیطی خود اقدام نمی‌کنند.

چهارم) انجماد قانونگذاری: در انجماد قانونگذاری که از آن به نظریه نفوذ سیاسی نیز یاد می‌شود، قانونگذاران محلی از تصویب قوانین سخت‌گیرانه برای سرمایه‌گذاری منع می‌شوند. هیات رسیدگی نفتا در قضایای مختلفی در تفسیر بخش ۱۱ این موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که در مواردی که قوانین سرمایه‌گذاری، بر آن تاثیر منفی داشته باشند سرمایه‌گذاران می‌توانند مانع تصویب قوانین زیست‌محیطی از سوی دولت‌های عضو شوند. در این نظریه کشورها به‌طور جسورانه مانع از تصویب قوانینی می‌شوند که ترجیح زیست محیطی بر سرمایه‌گذاری داشته باشند (۱۴).

#### ۴- محدودیت‌های ملی زیست محیطی قابل اعمال بر

##### سرمایه‌گذاری خارجی

در بحث سرمایه‌گذاری و محیط زیست علاوه بر تلاش‌هایی که در سطح بین‌المللی و از سوی نهادهای بین‌المللی انجام می‌گیرد، کشورها چه در جایگاه دولت پذیرنده سرمایه (میزبان) و چه در جایگاه دولت متبوع سرمایه‌گذار اقدام به وضع قوانین و مقررات و ایجاد محدودیت در برابر تاثیرات و ضربات منفی سرمایه‌گذاری بر محیط زیست نمایند.

نقش دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار در حفاظت از محیط زیست در برابر تاثیرات و صدمات منفی سرمایه‌گذاری از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو در این قسمت به بررسی کنترل و نظارت‌های ممکن از سوی دولت‌های میزبان سرمایه‌گذاری و دولت‌های متبوع سرمایه‌گذاران می‌پردازیم.

نخست: کنترل و نظارت دولت میزبان

کشور میزبان سرمایه‌گذاری می‌تواند موثرترین نقش را در حفاظت از محیط زیست داشته باشد زیرا بیشترین ارتباط را با فعالیت سرمایه‌گذاری و محیط زیست محل سرمایه‌گذاری دارد. اصلی‌ترین و موثرترین نظام حقوقی برای تضمین بی‌خطر

زیست از جهان توسعه یافته به وضع قوانین سخت‌گیرانه برای این شرکت‌ها پرداختند. این قوانین در سیاست‌های کمک مالی برای سرمایه‌گذاری و بعضاً معاهدت دوجانبه سرمایه‌گذاری متجلی شد. در مجموع می‌توان رویکردهای قانونگذاری را در این زمینه در چهار دسته قرار داد.

نخست- پناهگاه آلودگی: در این رهیافت، سرمایه‌گذاران خارجی اصولاً به دنبال کشورهایی می‌گردند که قوانین و شروط سرمایه‌گذاری در آن‌ها هزینه کمتری برایشان داشته باشد. در این نگاه، قانونگذار ملی به علت سکوت قانونی خود، موجب ایجاد محیط امنی برای سرمایه‌گذاران فرصت‌طلبی می‌شود که به دنبال آلودگی محیط زیست به دور از طرح مسئولیت مدنی و کیفری هستند.

دوم- رقابت برای کاهش: در این رویکرد کشورها به‌طور فعالانه و برخلاف منافع ملی، به تصویب قوانینی مبادرت می‌ورزند که سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در منطقه تشویق کنند. مثلاً در زیمبابوه، گینه نو و اندونزی قوانین مربوط به بهره‌برداری از معدن بر دیگر قوانین از جمله قوانین محیط‌زیستی برتری دارد. این نظریه بیشتر در مناطق آزاد تجاری و مناطق مخصوص صادرات که در نزدیکی‌های مرز یک کشور هستند به کار گرفته می‌شود. در این نظریه کشورها به‌طور فعالانه به تصویب قوانینی اقدام می‌کنند تا هرچه بیشتر سرمایه‌گذار خارجی را جذب کنند.

سوم- رقابت برای افزایش: قوانین زیست‌محیطی سخت‌گیرانه به‌طور غیرمستقیم موجب تقویت رقابت بازرگانی و جلب سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. به‌طور مثال کشورهای درحال توسعه علاقه دارند تا با اتحادیه اروپا و امریکا موافقت‌نامه بازرگانی آزاد امضا نمایند که پیش‌شرط آن، تقویت قوانین زیست‌محیطی در این کشورها است. این نظریه به‌طور معمول برای شرکت‌های با حساسیت بالا و حوزه انرژی کاربرد دارد. ژاپن با پذیرش «قوانین ورود ماشین به امریکا» و کره جنوبی با پذیرش «قوانین کاهش آلودگی توسط ماشین در اتحادیه اروپا» این نظریه را پذیرفته‌اند. همچنین معمولاً در مواردی که بازار دو کشور که با یکدیگر مبادلات

در صورت انجام چنین عملی باید براساس حقوق بین‌الملل اقدام به پرداخت غرامت و جبران خسارت کند. در زمینه مسایل مربوط به محیط زیست و حفاظت از آن موضوع مهم تر و پیچیده تر می باشد. به این معنی که پس از استقرار و تاسیس سرمایه گذاری در کشور میزبان، کنترل موثر رفتارهای زیست محیطی سرمایه گذاران و شرکت‌های چند ملیتی دشوارتر و همراه با نقطه ضعف های مهمی می باشد.

اولین نقطه ضعف در این زمینه این است که پس از استقرار سرمایه گذاری هرگونه تغییر و دگرگونی در جریان سرمایه گذاری به بهانه تغییر در قوانین و سیاست‌های زیست محیطی به سختی انجام می شود و در صورت انجام نیز ممکن است نوعی از سلب مالکیت تلقی شده و براساس حقوق بین‌الملل دولت میزبان نیز ملزم به پرداخت غرامت و جبران خسارت سرمایه گذار خارجی می باشد. نقطه ضعف دوم، سختی‌ها و مشکلات عمده ای است که به دلایل محدودیت منابع انسانی و مالی کشورهای میزبان ممکن است در جریان اجرا و تأکید موثر بر قوانین زیست محیطی آنها به وجود آید و سومین مورد نیز فقدان اطلاعات کافی درباره خطرات، فعالیت‌ها و فناوری مورد استفاده توسط سرمایه گذاران خارجی در قلمرو کشور میزبان که ممکن است کنترل و نظارت دولت میزبان را با مشکل مواجه کند و یا آن را به تاخیر بیانندازد. چهارمین نقطه ضعف این است که حتی هنگامی که یک دولت میزبان قادر است غرامت و خسارت مربوط به آسیب و زیان به محیط زیست را از سرمایه گذار یا شرکت چند ملیتی مسوول مطالبه کند. اما به دلیل منابع مالی محدود سرمایه گذار فوق، ممکن است دریافت غرامت کامل و خسارت برای قربانیان عملاً امکان پذیر نباشد. پنجمین مورد نیز وجود نوعی تعارض و تضاد منافع برای کشور میزبانی است که درگیر با مساله خسارت‌ها و زیان وارده بر محیط زیست به دلیل عملکرد و بهره برداری یک سرمایه گذار خارجی یا یک شرکت چند ملیتی می باشد.

دادگاه عالی "بوگوتا" در این خصوص چنین مقرر داشت که نه دولت و نه شرکت چند ملیتی هیچ کدام مسوول خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های مربوط به حفاری نفت به محیط زیست، از جمله قطع درختان جنگلی، آلودگی، و خسارت‌های وارد شده

بودن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از نظر محیط زیست و عدم صدمه به آن توسط سرمایه گذاران خارجی به خصوص شرکت‌های چند ملیتی به نظام حقوق کشور محل سرمایه گذاری یا همان کشور میزبان است. در مرحله اول قبل از ورود یک سرمایه گذار یا شرکت چند ملیتی به کشور میزبان، ابتدا شروط، چگونگی و نیز مجوزهای مربوط به ورود به کشور میزبان مورد بررسی و ملاحظه قرار می گیرد. این بررسی و تشخیص به طور عموم از طریق قوانین ملی کشور میزبان درباره سرمایه‌گذاری صورت می گیرد. این قانون علاوه بر این که حاوی قواعد مربوط به سلب مالکیت، حل و فصل اختلاف‌ها، انگیزه‌های مالیاتی و غیرمالیاتی و امثال اینها می باشد؛ دربرگیرنده جزییات مربوط به فرآیند گزینش سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین شرکت‌های فراملی برای ورود به کشور میزبان و شروع فعالیت سرمایه‌گذاری است که از طریق انجام ارزیابی‌های گوناگون امکان یا عدم امکان ورود سرمایه گذاری را مورد مطالعه قرار می دهند.

یکی از اصلی ترین و موثرترین بررسی‌ها، ارزیابی تاثیرات و صدمات و فعالیت‌های مورد نظر بر محیط زیست کشور می باشد. دومین مرحله از نظارت و کنترل دولت میزبان به بعد از استقرار سرمایه گذاری و ورود سرمایه گذار یا شرکت چند ملیتی در کشور میزبان است. در این مرحله سرمایه گذاران ملزم به اطاعت از قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان، از جمله قوانین مربوط به محیط زیست هستند. به دلیل رقابت سختی که بین کشورها برای جذب سرمایه گذاری وجود دارد نقطه قوت سرمایه گذاران خارجی برای چانه زنی و گرفتن امتیازات متعدد، بیشتر در زمان ورود سرمایه گذاری می باشد. نوعی از تعهد و تضمین قراردادی مربوط به حمایت از سرمایه گذاری در برابر خطرات متعددی است که ممکن است پس از ورود و استقرار در کشور میزبان به وجود آید.

یکی از شروط حمایتی که در اغلب موافقت‌نامه‌های سرمایه گذاری به چشم می خورد، شرط ثبات می باشد. در واقع اثر و نتیجه اصلی شرط ثبات این است که دولت میزبان تا پایان عمر قرارداد با تصویب قوانین جدید تغییری در تعهدات خویش در قرارداد نکند و به بهانه تغییر قوانین و مقررات اقدام به ابطال مجوزها و پروانه های صادر شده برای سرمایه‌گذاری ننماید و



نظارت بر عملکرد و رفتار شرکت چند ملیتی یا سرمایه‌گذار خارجی ممکن است به وسیله دولت که شرکت چند ملیتی یا سرمایه‌گذار خارجی تابعیت آن را دارد انجام گیرد. کشورها باید با وضع قوانین حمایت از محیط زیست مانع از آن شوند که شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاران تابع آن بتوانند با انتخاب کشورهای بی‌قوانین آسان‌تری دارند، محیط زیست را قربانی منافع اقتصادی خود کنند.

بر اساس حقوق بین‌الملل، وضع قوانین فرامرزی و هم‌چنین صلاحیت برون‌مرزی در این زمینه هنگامی که از سوی کشور میزبان هیچ‌گونه اعتراض و شکایتی در این باره وجود ندارد بلامانع می‌باشد. درحالی‌که تعدادی از کشورها رضایت خود را در مورد کنترل و نظارت دولت متبوع بر سرمایه‌گذاران خود که در قلمرو کشور میزبان اقدام به فعالیت می‌کنند، اعلام نموده‌اند.

علاوه بر موضوع قوانین فرامرزی و صلاحیت برون‌مرزی برای وضع قوانین، سختی‌ها و مشکلات طرح دعوی در کشور میزبان گاهی قربانیان به خصوص مردم بومی را به سوی اقامه دعوی در دادگاه کشورهای متبوع سوق می‌دهد. کشورهایی از قبیل آمریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا نیز در همین راستا به دادگاه‌های خود صلاحیت رسیدگی به تأثیرات و صدمات منفی زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی در خارج از کشور را بر اساس استفاده برون‌مرزی از قوانین ملی یا از طریق کاربرد مستقیم حقوق بین‌الملل اعطا نموده‌اند و قربانیان خسارت‌ها و آسیب‌های زیست محیطی می‌توانند در این کشورها به عنوان کشورهای مبدا و متبوع سرمایه‌گذار خارجی یا شرکت چند ملیتی به طرح دعوی بپردازند.

##### ۵- خلاصه‌های نظام فعلی حقوق سرمایه‌گذاری در باب

###### مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

بازیگران اصلی در توسعه حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، کشور میزبان، کشورهای متبوع سرمایه‌گذاران، شرکت‌های فراملی به عنوان گروه اصلی سرمایه‌گذاران خارجی، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد و غیر دولتی هستند. هر یک از این گروه‌ها منافع متمایز و بعضاً متفاوتی

به صنایع طبیعی که به طور سنتی توسط افراد بومی مورد استفاده قرار می‌گرفت، نیستند. دادگاه در این قضیه تأکید نمود که منافع اساسی و مهم اقتصادی کشور در صورت توقف فعالیت‌های مربوط به حفاری نفت توسط شرکت فوق به خطر خواهد افتاد.

میزبان، اغلب خود قسمتی از مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی بوده و از این رو به طور مستقیم درگیر و شریک در فعالیت‌ها و عملکرد سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های چند ملیتی می‌باشد و به این دلیل نیز در صورت انجام تخلف و آسیب به محیط زیست، خود کشور میزبان نیز مسوول می‌باشد. موضوع دیگری که در مورد آسیب و خسارت‌های زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در برخی از کشورها مقدار جریمه و غرامتی که ممکن است برای خسارت‌های زیست محیطی ایجاد شده توسط سرمایه‌گذار خارجی معین شود، اندک است. برای سرمایه‌گذار خارجی نوع نگاه متفاوت قوانین داخلی کشورها از منظر اهمیت آن‌ها به مقررات و اصول محیط زیست و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری‌ها مهم است. به عنوان مثال در کشور آلمان قانون ارزیابی اثرات زیست محیطی برای کلیه طرح‌های عمومی و خصوصی در ۱۶ نوامبر سال ۱۹۹۰ به تصویب مجلس ملی رسید و از ۲۱ فوریه ۱۹۹۵ قدرت اجرایی یافت. به طور کلی در این کشور ارزیابی اثرات زیست محیطی در هر دو سطح دولتی و فدرال برای برخی از طرح‌ها استفاده می‌شود. ماده

۱ این قانون، هدف از تدوین قانون ارزیابی را تضمین انجام اقدامات موثر و پیش‌گیرانه قبل از اجرای طرح‌هایی که اثرات سو بر محیط زیست دارند ذکر نموده است. در این کشور همانند سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، فرآیند ارزیابی مطابق الگوی اتحادیه خواهد بود و کلیه طرح‌های ذکر شده در بخشنامه اتحادیه اروپا در این کشور نیز ملزم به انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی می‌باشد (۱۵). به عبارتی در این قانون اصل حفاظت از میراث مشترک بشریت مدنظر قانون‌گذار قرار گرفته است.

دوم- کنترل و نظارت کشور متبوع سرمایه‌گذار

موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری با درجه‌ای از انعطاف‌پذیری همراه باشد که اهداف توسعه محور دولت میزبان را لحاظ نماید (۱۹).

#### ۶- تسری مبانی بین‌المللی مسوولیت زیست محیطی سرمایه‌گذار خارجی به حقوق داخلی کشورها

یکی دیگر از تحولات مثبت در عرصه مسوولیت بین‌المللی ناشی از خسارت‌های زیست محیطی گسترش دامنه ضمانت اجراهای مربوط به تخلفات زیست محیطی است. در این راستا دو مساله مهم باید یادآوری شود. نخست این‌که نظام‌های مسوولیتی و شیوه‌های جبران خسارت‌ها بنا به علل مختلف از جمله ملاحظات مربوط به حاکمیت عمدتاً در قالب پروتکل‌های اختیاری تنظیم می‌گردد که مسلماً این امر از سویی بسیار مطلوب است، اما از سویی دیگر مشکل بسیار جدی و اساسی بر سر راه حمایت از محیط زیست و تضمین آن به وجود می‌آورد. مطلوبیت این شیوه از این جهت می‌باشد که کشورها به دلیل اختیاری بودن این‌گونه پروتکل‌ها، بدون داشتن هیچ‌گونه اجبار و الزامی و با میل خود به عضویت آنها در می‌آیند، در نتیجه با رغبت بیشتری هم‌تن به اجرای تعهدات و تکالیف ناشی از آنها می‌دهند. اما اختیاری بودن نظام‌های مسوولیت، این پیامد منفی را به دنبال خواهد داشت که کشورها در مواردی تن به آنها می‌دهند که پای منافعشان در بین نباشد و به همین جهت حمایت از محیط زیست و مسوولیت ناشی از نقض این تعهد نسبت به منافع کشورها امری فرعی و تبعی خواهد گردید (۲۰). دوم: از آنجایی که یک نظام کارآمد و موثر برای اجرای مسوولیت بین‌المللی و جبران خسارت در نظام بین‌المللی وجود ندارد و از سوی دیگر امروزه مسوولیت بخش خصوصی نیز قسمت عمده‌ای از نظام مسوولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی را تشکیل می‌دهد، عملاً نظام‌های حقوقی ملی نیز در جهت اجرای مسوولیت بین‌المللی ناشی از خسارت‌های محیط زیستی درگیر می‌باشند (۲۱).

در اینجا به عنوان یک نمونه عملی اشاره‌ای مختصر به پروتکل الحاقی عهدنامه بازل می‌شود. هدف از انعقاد پروتکل الحاقی به عهدنامه مذکور ایجاد یک نظام مسوولیت برای خسارت‌های ناشی از پسماندهای آلوده کننده و جبران خسارت‌های وارده

دارند که خواهان تحقق آن می‌باشند. (۱۶) شرکت‌های فراملی به طور عمده دنبال محیط مناسبی برای سودآوری و کسب حداکثر درآمد هستند؛ در مقابل عمده سازمان‌های مردم‌نهاد در تلاشند تا نظارت خود را بر شرکت‌ها افزایش داده و آنچه را که قدرت افراطی شرکت‌ها می‌خوانند کنترل کرده و مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی آنها را در برابر آن دسته از منافع عمومی که حامی آن هستند، تقویت نمایند. دولت‌های میزبان خواهان جذب شرکت‌ها و افزایش بهره‌وری از قبل آنها می‌باشند، درحالی که دولت‌های متبوع شرکت‌های فراملی خواهان بازگشت سرمایه و منافع اقتصادی و سیاسی حاصل از فعالیت شهروندانشان هستند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی نیز به تبع اسناد موسس انسجام و پیوند میان اعضا را دنبال می‌کنند. (۱۷) درحالی که نظام فعلی موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری تنها با مشارکت برخی از این بازیگران تکوین است. اولین نسل اسناد سرمایه‌گذاری به طور عمده ماحصل اراده کشورهای سرمایه فرست و سازمان‌هایی نظیر سازمان بین‌المللی توسعه و همکاریهای اقتصادی است که اجتماعی از کشورهای توسعه یافته بوده و بنابراین دغدغه‌های کشورهای درحال توسعه و سرمایه‌پذیر را مورد توجه قرار نمی‌دهد (۱۸). به ویژه غیبت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در تدوین نسل فعلی موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری بسیار احساس می‌شود. اما امروزه رویکردهای جهانی تغییر کرده و نقش این نهادها در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی به شدت افزایش می‌یابد. با افزایش روند جهانی شدن، عملکرد سازمان‌های غیردولتی نیز توسعه یافته و سعی دارند شکاف‌های حقوقی موجود را با ایده‌ها و نگرش‌های نوین ترمیم نمایند. به عنوان مثال موسسه بین‌المللی توسعه پایدار پیش‌نویسی برای موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری تدوین کرده که به دنبال توازن میان منافع و مسوولیت‌های دولت میزبان و سرمایه‌گذار بوده و برای سرمایه‌گذار نیز در برابر دولت میزبان خلق تکلیف می‌نماید. نقش "انکتاد" نیز در توسعه مسوولیت سرمایه‌گذار و کاهش یک‌جانبه‌نگری در موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری شایان توجه است. از نظر انکتاد، بهره‌مندی کامل کشورهای در حال توسعه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صورتی امکان‌پذیر است که اجرای

داشته است. تردید وجود دارد که جوامع انسانی درآینده از بحران‌هایی مانند کاهش تعادل حیاتی در سایه افزایش جمعیت و نابودی منابع و محیط زیست، جان سالم به در برند.

باور بر این است که فرآیندهای اقتصادی دربرگیرنده نظام‌هایی به هم پیوسته است که در آنها هر نوع رفتاری که با طبیعت و محیط با هر هدفی صورت گیرد آثار و پیامدهای آن به خود بازخواهد گشت. از دید اقتصادی، ویژگی‌های برجسته شرایط غیراکولوژیک نشان می‌دهد که انسان به بهره‌گیری بی‌محابا از منابع تجدید شدنی و تجدید ناشدنی پرداخته است. در نتیجه برخی از کالاهای تولیدی هزینه‌هایی دارد که گریبانگیر یکایک انسان‌ها می‌شود و نه تنها تولید کنندگان و به سخن دیگر، گونه‌ای هزینه اجتماعی به بار می‌آورد.

رشد سرمایه‌گذاری و بازرگانی بین‌الملل و آثار آن بر محیط زیست، توجه جهانی را به خود معطوف ساخته است. نگرانی جهانی ناشی از کاهش کیفیت محیط زیست، جامعه بین‌المللی را برآن داشت تا برای بهبود استاندارد زندگی و حفاظت از محیط زیست اقدام نماید. حامیان محیط زیست سیاست‌هایی را که از نظر آنها مسوول نابودی محیط زیست می‌باشد، را به زیر سوال بردند. این عده رشد اقتصادی بدون وجود مقررات زیست محیطی محکم و استوار را علت نابودی محیط زیست و از بین رفتن منابع جهان می‌دانند. یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد بین‌المللی که می‌تواند تأثیرات زیادی بر محیط زیست داشته باشد؛ سرمایه‌گذاری می‌باشد. رشد سرمایه‌گذاری خارجی در غیاب ضابطه‌های ژرف زیست محیطی، آلودگی ناشی از تولید و مصرف را افزایش می‌دهد.

مسئولیت بین‌المللی، فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو بر خلاف تعهدات بین‌المللی با هرمنشایی چون معاهدات دو یا چندجانبه، عرف بین‌الملل، تعهدات دربرابره‌همه و قواعد آمره<sup>۱</sup> می‌باشد. اقدام تخلف‌آمیز بین‌المللی<sup>۲</sup> می‌تواند از سوی یک دولت یا چند دولت یا با وجود ارگان (نهاد اجرایی) مشترک میان آن‌ها صورت پذیرد.

به طور فوری و کافی بوده است. از میان ویژگی‌ها و مسایل گوناگون این پروتکل چهار موضوع قابل توجه می‌باشد: نخست این که در نظام مسوولیت عهدنامه و پروتکل الحاقی آن یک راه فرار و گریز، برای برخی از متخلفان وجود دارد. در این نظام مسوولیتی، باوجود پذیرش مسوولیت دوگانه برای کشور صادر کننده و واردکننده برای حمل و نقل کننده مسوولیتی پیش بینی نشده است. دوم این که نظام مسوولیتی که در پروتکل الحاقی پیش بینی گردیده است جنبه اختیاری داشته و پروتکل در واقع سعی کرده با تشویق و ترغیب کشورهای عضو عهدنامه آنها را به سمت انجام تعهداتشان سوق دهد. همین ویژگی خود از موانع جدی اجرای موثر اصول و قواعد مندرج در عهدنامه بازل می‌باشد.

سوم؛ نظام مسوولیت پیش بینی شده در پروتکل الحاقی شامل بخش خصوصی درگیر در بحث فضولات آلوده کننده نیز می‌گردد که این ویژگی درعین حال که از نقاط مثبت این پروتکل می‌باشد، اما در جهت اجرا و تحقق عملی آن موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد (۲۲).

چهارم؛ نظام مسوولیت پیش بینی شده در پروتکل الحاقی در جهت تحقق مسوولیت پیش بینی شده، نظام‌های حقوقی ملی را نیز به نوعی درگیر نموده و در قسمت‌های زیادی اجرای نظام مسوولیت را بر عهده این مراجع ملی قرار داده‌است که در این خصوص موانع و معضلات جدی وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

خوشبختانه امروزه حفاظت از محیط زیست و دغدغه لزوم برخورداری از محیط زیست سالم تبدیل به یکی از گفتمان‌های غالب در سطح جهان شده است. محیط‌شناسان بر این باورند که در سایه افزایش جمعیت و فشار آن بر محیط زیست، نسل انسان و دیگر گونه‌های جانوری و گیاهی به خطر افتاده است. رشد فزاینده جمعیت و تولیدات کشاورزی، صنعتی و مصرف کالاها که برآمده از سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان است، فشار بر منابع تجدید ناشدنی را چند برابر کرده و در همان حال آلودگی منابع و تخریب محیط زیست را در پی

1- Jus Cogens

2- Wrongful Act

## References

1. Ziaei Yasser, (2014), Position of Environmental Obligations in International Investment Law, Quarterly Journal of Public Law Research, Vol. 14, No. 42. (In Persian)
2. Susan Breau, The Responsibility to Protect in International Law: An Emerging Paradigm Shift, (2016), Routledge Research in International Law.
3. Hung-Gay Fung, Sheryl A. Law, Jot Yau, (2010), Socially Responsible Investment in a Global Environment, Cambridge University Press.
4. Yung-Tse Hung, Yung-Tse Hung, Nazih K Shammass, Lawrence K Wang, (2013) Handbook of Environment and Waste Management: Volume 2: Land and Groundwater Pollution Control, World Scientific Publishing Company.
5. Kandi Brown, William L Hall, Marjorie Hall Snook, Kathleen Garvin, (2010) Sustainable Land Development and Restoration: Decision Consequence Analysis, Elsevier Publication.
6. Alexander Case, Peter H, Sind, Winfried Lance (2007), Environmental Law, Translation by Mohammad Hosein Habibi, Volume 3, Tehran University Press. (In Persian)
7. Dorceta Taylor, (2014) Toxic Communities: Environmental Racism, Industrial Pollution, and Residential Mobility, NYU Press.
8. M. Sornarajah, (2015) Resistance and Change in the International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press.
9. ICJ Rep., The Case Concerning Gabcíkovo-Nagymaros Project, 1997

امروزه صحبت از مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها و از سال ۲۰۱۱ به بعد سازمان‌های بین‌المللی است، اما می‌توان با نقش چشمگیر شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاران خارجی حتی غیردولتی برای آنان نیز در صورت تخریب محیط زیست یا بی‌توجهی خسارت‌زا به آن با توجه به ابعاد جهانی و عرف بین‌المللی مسوولیت بین‌المللی قایل شد و به احراز آن پرداخت.

موافقت‌نامه‌های فعلی سرمایه‌گذاری فرض را بر این می‌گذارد که سرمایه‌گذاری‌ها نوعاً مفید به حال توسعه دولت میزبان بوده و سرمایه‌گذاران خارجی که به عنوان طلایه داران توسعه به کشور میزبان جذب می‌شوند باید مورد حمایت قرار گیرند. تاثیر سرمایه‌گذاران خارجی بر جوامع محلی، کارگران، مصرف‌کنندگان، محیط زیست، به طور معمول در این موافقت‌نامه‌ها مدنظر قرار نگرفته است. در فقدان الزام آور، مسوولیت کنترل و بهبود رفتار شرکت‌ها اساساً به اقدامات داوطلبانه ای محول شده که شامل طیف وسیعی از آیین‌نامه‌هایی است که خود شرکت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و بعضاً دولت‌ها صادر می‌کنند. از آنجا که کم و کاستی‌ها و نواقص اقدامات خود جوش و داوطلبانه بر کسی پوشیده نیست، شایسته به نظر می‌رسد، محمل حقوقی مناسب تری را برای تحمیل مسوولیت اجتماعی بر شرکت‌های فراملی تدبیر کرد.

حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل محیط زیست، دو شاخه از حقوق بین‌الملل هستند که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه "گابچیکو و ناگی ماروس" و بسیاری از آرای هیات رسیدگی سازمان بازرگانی (تجارت) جهانی در پرتوی یکدیگر تفسیر شدند. با استعانت از نظریه وحدت حقوق بین‌الملل می‌توان به نزدیک کردن این دو شاخه از حقوق بین‌الملل اقدام کرد. سرمایه‌گذاری خارجی از دغدغه‌های دیرین دولت‌ها و سرمایه‌گذاران بوده است اما محیط زیست از دغدغه‌های جدید بشریت محسوب می‌شود.

در نتیجه فرضیه این پژوهش با توجه به پرسش مطرح شده که سرمایه‌گذاران خارجی در صورت احراز تخریب محیط زیست مسوول می‌باشند و نمی‌توانند تنها نتیجه اقدامات خود را متوجه دولت‌هایی نمایند که در آن به ثبت رسیده‌اند تایید می‌گردد.

- Protection in the European Union 4, Springer-Verlag Berlin Heidelberg , p87.
16. M. Sornarajah, (2015) Resistance and Change in the International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press, p 67.
  17. Stephans, Tim, (2012), International Courts and Environmental Protection, (Cambridge Press).
  18. Corcoran, Peter Blaze; Wals, Arjen E. J.; Weakland, Joseph P, (2017), Envisioning futures for environmental and sustainability education, Wageningen Academic Publishers, p16.
  19. Hepburn, Jarrod, opcit, p46.
  20. Tayebi, opcit, p 200.
  21. Kryvoi, Yaraslau, (2010) International Centre for Settlement of Investment Disputes, Netherlands: Kluwer Law International.
  22. Reed, Lucy, Paulsson, J. & Blackaby, N. (2011) Guide to ICSID Convention, The Netherlands: Kluwer Law international.
  10. <http://www.icj-cij.org/files/case-related/152/18860.pdf>.
  11. Hepburn, Jarrod, (2017), Domestic law in international investment arbitration, International economic law series (Oxford England), Oxford University Press.
  12. Tayebi, Sobhan (2017), Environmental Diplomacy and its Impact on International Interactions and Global Peace, Tehran: Khorsandi Publishing. (In Persian)
  13. Dorceta Taylor, (2014) Toxic Communities: Environmental Racism, Industrial Pollution, and Residential Mobility, NYU Press.
  14. Meera Fickling, Jeffrey J. Schott, (2011), NAFTA and Climate Change, Peterson Institute
  15. Eike Albrecht, Michael Schmidt, Magdalena Mißler-Behr, Simon P. N. Spyra, (2014), Implementing Adaptation Strategies by Legal, Economic and Planning Instruments on Climate Change, Environmental